



روزنامه سیاسی،اقتصادی،فرهنگی،اجتماعی ، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول : مهدی رحمانیان
نشانی : تهران، خیابان آفریقا، بلوار گلشهر، پلاک ۴۶
تحریریه:۲۳-۲۴-۲۲۰۳۸۰۲۴
نمبر :۲۲۰۳۴۵۱۵
سازمان آگهی ها: ۲۲۰۵۷۰۹۰ (خط ویژه)– نظارت بر توزیع: ۶۶۹۵۸۶۱۰
سازمان نیازمندی ها: ۲۲۰۱۴۰۱۰ (خط ویژه)، امور مشترکین- تلفن : ۲۰-۲۲۰۱۱۹۶۹۷
نمبر : ۶۶۴۰۴۱۶۵، **امور فنی ، آتلیه و لیوگرافی :** روزنامه شرق
چاپ : افست
کیلومتر ۴ جاده آبیلی، روبه‌روی خیابان سازمان آب ، تلفن: ۷۷۳۳۹۰۹۳
طوطی : خیابان مصطفی خمینی ، بعد از چهارهاره سرچشمه ، پلاک ۶۹، تلفن: ۳۳۹۲۱۴۴۱
کلریز : جاده قدیم کرج، فتح ۱۷، پلاک ۲۹، تلفن: ۶۶۸۲۲۳۴۶-۶۶۸۲۲۳۴۶

راهنمای امروز

تلويزيون امروز	
ماموران مخفی پاليس	یک
سریال خانواده در دام	پنج
سینمای دیگر	دو
سریال کلاتر	یک
سریال اولتیمو	پنج
آوای ایرانی	پنج

تئاتر روز
موسیو ابراهیم و گل های قرآن
سالن چهارسو تئاترشهر ۱۹/۱۵
همسایه‌ها
سالن چهارسو تئاترشهر ۱۸
سلول صفر
تالار نو تئاترشهر ۱۹/۳۰
گفت‌وگوی تروریست‌ها
تالار مولوی ۱۹/۳۰
از خاک تا افلاک
سالن اصلی تئاتر شهر ۲۰

تئاتر امروز
قدم زدن روی ابر با چشمان بسته
سالن قشقایی تئاتر شهر ۱۸/۰۰
رکاب
سالن قشقایی تئاتر شهر ۲۰/۰۰

ادامه از صفحه اول

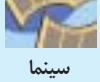
نیمه دوم نیز با همان فضا شروع شد و ادامه یافت و درست در لحظاتی که کراوج خودش را گرم می‌کرد و مهایی پوشیدن لباس و ورود به زمین می‌شد تا ضعف فوق رارفع کند و بازی انگلیسی‌ها را به سمت هوا سوق بدهد دیدید بکام یک بار دیگر در هیئت منجی تیم انگلیس سر برآورد و یکی از ضربات آزاد تخصصی‌اش را با زیبایی هرچه تمام‌تر در دقیقه ۶۰ دروازه اکادور کاشت تا تیمی را که تا آن لحظه هیچ فروغ خاصی هم نداشت، صفر–۱ از اکادور پیش بیندازد. کریستین مورا دروازه‌بان اکادور که گوشه‌ای از صورتش را به رنگ پرچم کشورش رنگ کرده بود، روی این توپ تصور داشت و دیر اقدام کرد اما از حق نینباید گذشت که هافبک ۳۲ ساله رئال مادرید و کاپیتان خیرسام تیم ملی انگلیس هم ضربه آزادش را بسیار زیبا و فنی زد و توپ شلیک شده توسط وی به طور مماس با تیر عمودی دروازه به درون دروازه غلبد و تیمی را که تا آن لحظه واقعا متوسط نشان داده بود، به یک شادی ناگهانی و بزرگ رساند و به واقع به پیروزی و صعود نائل ساخت. این گل انگلیس را محتاط‌تر و تشویق به حفظ نتیجه کرد و طبعاً اکادور را به قصد جبران عقب افتادگی‌اش تنهاجمعی‌تر ساخت. آسیب‌دیدی تنوریو و خروج او از صحنه و ورود ایوان کاویدیس به جای او نیز مزید بر علت شد و اکوادوری‌ها را بیش از پیش به سمت دروازه انگلیس راهی ساخت. در چنین فضایی امکان اجرای ضد حملات برای انگلیس نیز بیشتر شد و اگر جرارد و لمپارد دقت بیشتری داشتند و ضربات آخر را بهتر می‌زدند، این تیم می‌توانست روی مانورها و حرکات و پاس‌های بسیار خوب وین رونی به گل دومش نیز برسد. اربکسون که نقشه‌اش درخصوص اعزام پتر کراوج به میدان متغنی شده بود، برای حفظ نتیجه جیبی کاراگر را راهی میدان و یک مهره تدافعی را جانشین یک مهره تهاجمی (جو کول) کرد. با این اوصاف در دقایق بعدی تغییری در نتیجه روی نداد و انگلیس با همان برد خفیف و فاقد فروغ و در روزی واقعا متوسط به آنچه می‌خواست رسید و راهی مرحله بعدی شد تا در این مرحله با برنده بازی پرتغال – هلند روبه‌رو شود که این دیدار دیروقت دیشب انجام پذیرفت. با این حال حتی پروپا قرص‌ترین طرفداران انگلیس نیز از بازی و برد دیشب این تیم دلگرم نشدند و بیش از آنکه به آینده این تیم امیدوار شوند احساس نگرانی کردند، مگر اینکه یاران بکام (که در آخرین دقایق دیدار دیشب جایش را به آرون لئون جوان داد) در مرحله بعدی به کلی متحول شوند و بسیار بهتر از دیشب بازی کنند.

روزنامه

سال سوم ■ شماره ۷۹۳ ■ دوشنبه ۵ تیر ۱۳۸۵ ■ ۲۹ جمادی الاول ۱۴۲۷ ■ ۲۶ ژوئن ۲۰۰۶

فرهنگی

جایزه دوربان آفریقا به سینمای ایران رسید



سینما

جایزه بهترین فیلم بیست و هفتمین جشنواره دوربان آفریقای جنوبی به ابوالفضل جلیلی رسید. جایزه بهترین فیلمنامه این جشنواره را نیز جعفر پناهی و راستین دریافت کردند. جشنواره بین‌المللی فیلم «دوربان» (Durban) کشور آفریقای جنوبی از روز (۱۴ ژوئن) ۲۴ خردادماه میزبان چند فیلم از سینمای ایران بود. همچنین ابوالفضل جلیلی گفت: با توجه به هجوم فیلم‌های آمریکایی، دست‌اندرکاران و کارشناسان سینمای آفریقای جنوبی معتقد بودند که سینمای ایران جای خود را در این کشور به خوبی پیدا کرده است. جلیلی که هم‌اکنون در آفریقا به‌سر می‌برد در گفت‌وگو با خبرنگار شرق افزود: استقبال خوبی از فیلم گل پاچ و در جشنواره دوربان شده بود و با توجه به حضور ۲۳ فیلم، مسئولان جشنواره فیلم گل پاچ را یک استثنا می‌دانستند. جلیلی ده روز دیگر به ایران برمی‌گردد و چند روز دیگر به پاریس می‌رود.
■ پولاد کیمیایی در تئاتر؟
پولاد کیمیایی فرزند مسعود کیمیایی که بازی خوبی در فیلم حکم ارائه داده بود قصد دارد امسال یک تئاتر کار کند. او قصد دارد در صورتی که شرایط ساخت فیلم رئیس مهیا نشود در یک تئاتر بازی کند. مسعود کیمیایی قصد دارد از پولاد در فیلم جدید خود با عنوان رئیس به عنوان بازیگر

وزیر ارشاد: ساختار سینمای ایران باید اصلاح شود

محمد حسین صفارهرزندی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، شنبه شب در همایش رایحه خوش خدمت در مسجد مهدویه آزادگان کرج، اصلاحات موردنظر وزارتخانه متویش در بخش‌های مختلف فرهنگی و هنری را اعلام کرد. به گزارش مهر وزیر ارشاد گفت: از این پس به فیلم‌هایی که مطابق معیارهای دوران قبل از انقلاب ساخته شوند اجازه نمایش داده نمی‌شود و ساخت فیلم در ایران نیازمند اصلاحات است. صفارهندی معتقد است: «برخی فیلم‌هایی که در سال‌های اخیر ساخته شده‌اند خلاف معیارهای یک جامعه اسلامی هستند و ساخت فیلم در ایران نیازمند اصلاحات است. ساختار کلیه برنامه‌های فرهنگی و هنری به‌ویژه در زمینه سینما در کشور به‌زودی اصلاح می‌شود و همگان این تفاوت را احساس خواهند کرد. «وزیر ارشاد با انتقاد از عملکردهای فرهنگی در گذشته گفت: «کارهای فرهنگی در کشور به‌خصوص در چند سال اخیر

این دیوار باید خراب شود



گزارشگر

سعیده اسلامی: با اسپری قرمز روی دیوار نوشت: «این دیوار باید خراب شود. «؛ روی دیواری که بعد از دیوار برلین معروف‌ترین و سیاسی‌ترین دیوار جهان است. «راجر واترز» ستاره گروه پینک‌فلوید که این روزها برای اجرای کنسرتش در فلسطین به سر می‌برد بر روی دیوارهای منطقه‌ای از کرانه غربی رود اردن، دیوانوشته‌هایی را ثبت کرده است. «راجر واترز» که که ترانه‌هایش همیشه نیم‌نگاهی به سیاست‌های روز جهان داشته و با زبان موسیقی سیاستمداران را به باد انتقاد می‌گیرد چندی‌اوقات است اعلام کرده که می‌خواهد کنسرتی را در فلسطین برگزار کند. پیش از این قرار بود این کنسرت در تل‌آویو برگزار شود اما هنرمندان فلسطینی طی نامه‌ای از وی خواستند که برنامه‌اش را تغییر دهد. آنها در نامه‌شان تاکید کرده بودند که اسرائیل بر فلسطینیان ستم روا می‌کند. در بخشی از این نامه آمده بود که «در حالی که اسرائیل به سیاست استعماری و نژادپرستانه خود برای بیرون راندن و محو کامل فلسطینیان از خانه و کاشانه‌شان ادامه می‌دهد از این کار دست بکشد. «اما راجر واترز از این کار دست نکشید و در گفت‌وگو با گاردین اعلام کرد:

«همان‌طور که مخالفت من با سیاست‌های خارجی تونی بلر مانع اجرای برنامه‌هایم در بریتانیا نمی‌شود مخالفتم با سیاست خارجی اسرائیل نیز مانع رفتن به این کشور نمی‌شود. « برای همین تصمیم گرفتم مکان اجرای کنسرتش را تغییر دهد. این بار «واترز» شهر «نوه‌شالوم» را انتخاب کرد؛ شهری نیمه عرب و نیمه یهودی. منطقه‌ای در حاشیه کرانه غربی که به عنوان نماد صلح شناخته می‌شود. شهری که در نزدیکی دیوار حائل نیز هست. دیوار مشهوری که ساختش از ژوئن سال ۲۰۰۱ آغاز و اکنون بخش اعظمی از آن ساخته شده است. دیواری که فلسطینیان آن را نشانه‌ای از تصاحب سرزمین‌شان نوشت:

«این دیوار باید خراب شود. «

روزنامه

سال سوم ■ شماره ۷۹۳ ■ دوشنبه ۵ تیر ۱۳۸۵ ■ ۲۹ جمادی الاول ۱۴۲۷ ■ ۲۶ ژوئن ۲۰۰۶

آبادان	+۳۵+۳۵	بیرجند	+۲۵+۳۳	سندج	+۱۸+۳۲	همدان	+۱۵+۳۶
اراک	+۱۷+۳۵	تهران	+۲۲+۳۷	شهرکرد	+۱۴+۳۲	یاسوج	+۲۱+۳۴
اردبیل	+۱۹+۲۷	تبریز	+۱۶+۳۱	شیراز	+۲۱+۳۹	یزد	+۲۷+۳۷
ارومیه	+۱۶+۳۱	خرم‌آباد	+۲۰+۳۵	قزوین	+۱۶+۳۰	دبی	+۳۵+۴۴
اصفهان	+۲۰+۳۴	رشت	+۲۱+۲۶	کرمان	+۲۰+۳۳	نجف	+۴۰+۴۶
اهواز	+۳۳+۴۷	زاهدان	+۲۵+۳۷	کرمانشاه	+۱۸+۳۴	مکه	+۳۲+۴۲
ایلام	+۲۵+۳۸	زنجان	+۱۵+۳۵	کاشان	+۲۱+۳۴	مدینه	+۳۰+۴۰
بجنورد	+۲۱+۳۸	زابل	+۳۱+۲۳	کیش	+۲۳+۳۰	لندن	+۱۷+۲۵
بندرعباس	+۳۳+۴۷	ساری	+۲۰+۳۲	گرگان	+۲۳+۳۷	پاریس	+۱۵+۲۰
بوشهر	+۳۳+۳۵	سمنان	+۲۲+۳۷	مشهد	+۲۵+۳۵	استانبول	+۱۶+۲۸

تهران : آذان ظهر ۰۶ : ۱۲ : آذان مغرب ۴۵ : ۱۹ : آذان صبح ۰۲ : ۳۰

جای خالی پوریای ولی

سیدعلی میرفتاح

دعوت شدیم به صرف شام و فوتبال. منزل آقای امیرشاهی. اطعمه و اشربه از هر قسم و از هر طعم موجود. حجم غذا به کفایت و نمک و فلفل و ادویه به اندازه. اگر دستور هم می‌دادند که با اتول سفارت برسانندمان، دقیقاً شده بودیم «دل‌شدگان» ول شده در این شهر بی‌در و پیکر. زرشک پلو، دوغ، ترشی، ماست و پیاز، آن هم بی‌هیچ دغدغه‌ای از بابت بریدن، که الحمدلله وسایل دوخت و دوز به وفور موجود بود که هرکس به نشوه‌ای ساخت، با نشته کار خود ساخت / من هم زدم به فوتبال از حد خود فروزن تر. گفت اگر دیری در مفاک بنگری، آن مفاک نیز در تو خواهد نگرिست. . . در این آیام آن همه درباره فوتبال حرف زدم که کم‌کم دارم مجذوب مفاک فوتبال می‌شوم.

دقایقی از بازی نگذشته، شدم طرفدار مکزیک و کرکی‌های خودم که حتی به عقل آن جادوگر مکزیک معروف حضور هم نمی‌رسید. اما قلندران از اسب آرژانتین پایین بیا نبودند. چهار به یک، آنها می‌گفتند و من می‌گفتم. نزدیک بود کارمان به اره بده، تیشه بگیر ببینجامد که آرژانتینی‌ها کار خودشان را کردند و زبان دراز شده مرا در حلقم فرو بردند.

آقای کپورچالی: مربی مکزیک را دیدید چه شکلی بود؟ می‌دانستید یاد کی افتادم! یک خسروخان بود توی آیینه عبرت، با محمود دینی بازی می‌کرد؟ عین او بود. قیافه‌اش که مثل قاچاقچیان راستین است.

آقای امیرشاهی: از اتفاق، این طوری که فردوسی پور گزارش می‌کرد، طبق چیزی که در مطبوعات مکزیکگی نوشته‌اند، برای خودش یک با خسروخانی است که خسروخان‌های آیینه عبرت به گردش هم نمی‌رسند.

آقای موبدی: کدام گردش؟ یعنی چه گردی؟ گرد نخود و از این جور چیزها؟

آقای کپورچالی: آرژانتین مگر ایران است که از مکزیک باززد؟

آقای روشن ضمیر: شما عرق ملی ندارید، راجع به تبسم ملی خودمان این‌طوری حرف می‌زنید.

آقای کپورچالی: گزارشگران ورزشی تلویزیون رسمی کشورمان عرق ملی ندارند. بنده داشته باشم؟ هنوز ایران حذف نشده بود، که یکی از این گزارشگران با لیخنه ملیح فرمودند من که طرفدار برزیلم وقتی او این حرف را می‌زند، من چه باید بگویم.

فوتبال ایران فقط خوب است برای دعوا و حال‌گیری و نود و از این جور چیزها.

آقای موبدی: بدبخت مکزکی‌ها. این همه زور زدن، اما دروغ از حتی یک سمند. سپند هم بهشان نمی‌دهند.

آقای روشن ضمیر: خوش به حال آنها که روی نیمکت می‌نشینند، ولی دست آخر سمند گیرشان می‌آید. آشنا ندارید ما را ببرند روی نیمکت. بد نیست، وقتی قرار است بازی نکنند چه هفتادساله، چه بیست‌ساله. اصل سمند است که آخرسر گیر اینها هم می‌آید.

آقای امیرشاهی: نیمکت نشینی بد نیست ولی از آن بهشتر داوری است. من هم‌چنین بفهمی نفهمی علاقه پیدا کرده‌ام بروم داور بشوم. نه که مو هم ندارم، فکر کنم کارم بگیرد. آقای کپورچالی: اگر یاد شعارهای هم قافیه با داور بیفتی بشپیمان می‌شوی. در ثانی کار سختی است. تو با این چشم و چارت چطور تشخیص آسایید می‌دهی.

آقای روشن ضمیر: می‌گویند اخیراً یک کتانی اختراع کرده‌اند که به محض اینکه بازیکن وارد آسایید می‌شود، این کتانی برق می‌زند. آقای موبدی: ولی ورزشکاران دیگر آن ورزش قدیم نیست. همه به فکر بردند. هیچ کس به فکر انسانیت نیست. کجاست پوریای ولی؟ کجاست تختی؟

آقای روشن ضمیر: پوریای ولی تیم ایران است که با اینکه می‌توانست ببرد، اما برای جذاب‌تر شدن بازی‌ها خود را کنار کشید.

آقای کپورچالی: آره با آن رضا معطلیان که توی تیم بود، اگر پوریای ولی نبود، پس کی بود. توپ که می‌افتاد دستش این‌قدر معطل می‌کرد که من یاد رضا معطلیان خودمان افتادم.

میرفتاح: معطریان. رضا معطریان. رفیق ماست، عکس شما را هم او گرفت.

آقای کپورچالی: یاد است، می‌شناسش، او هم خیلی معطل می‌کرد. سه ساعت ما را سر پا نگه داشت تا آخر سر این وکلانشورش را فشار داد. امیرشاهی پادش است، من همان شب گفتم، جناب معطلیان.

میرفتاح: کی معطلیان‌ها با ما رفیق بود، آن هم شما دارید خرابش می‌کنید.

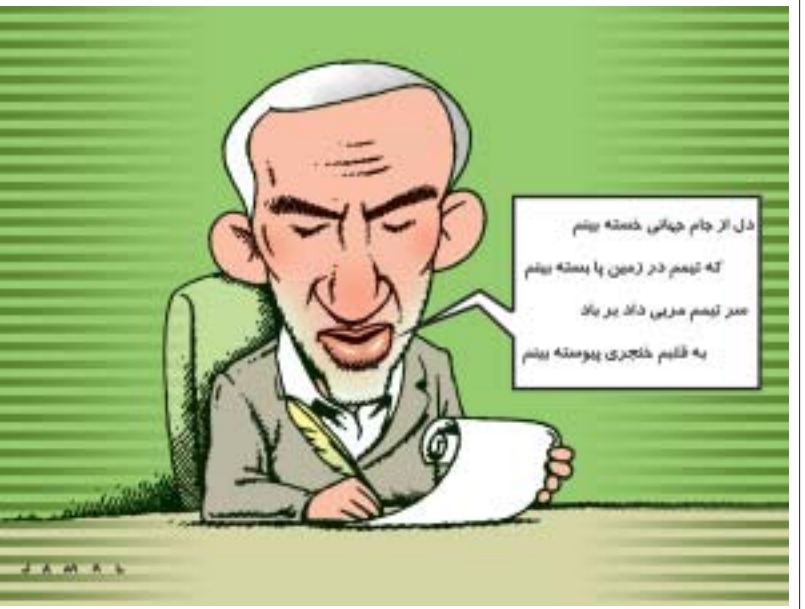
mirfattah@yahoo.com



جمال رحمتی

نامه دادکان

جمال رحمتی



موفق در ریتیم اندازی

حسین یاغچی: از اواخر دهه ۹۰ که تکنولوژی دیجیتال همه‌گیر شد و تغییراتی انقلابی در تصویربرداری و تدوین ویدئویی پدید آورد تا امروز همچنان شاهد پس‌لرزه‌های انقلاب دیجیتال هستیم و چنین وضعیتی شاید نوعی درجا زدن لقب بگیرد. اگر به دنبال نمونه‌های عینی این وضعیت می‌گردیم، پخش تلویزیونی مسابقات جام جهانی ۲۰۰۶، دم‌دست‌ترین گزینه است. از کارگردانی و تصویربرداری این بازی‌ها گرفته تا طراحی و استفاده از نشانه‌های گرافیکی، همگی در مقایسه با نمونه‌های قبلی خود نه تنها پیشرفتی نداشتند اند بلکه در بسیاری موارد، از دستاوردهای پیشین عقبگرد کرده‌اند. نفاط ضعف بی‌شماری به جا گذاشته‌اند. چنین وضعیتی کم و بیش در سایر محصولات ویدئویی این سال‌ها هم به چشم می‌خورد. سوزیک – ویدئوها دیگر از آن عناصر غافلگیرکننده که به واسطه دستاوردهای دیجیتال شکل گرفته بود، برخوردار نیستند (اگرچه اشتناها همچنان وجود دارند) و شبکه‌های خبری (که شاید در عرصه ویدئو، بیش از همه از مزایای دیجیتال استفاده کرده‌اند) دیگر نمی‌توانند مخاطبان خود را شگفت‌زده کنند. نیاز به تحولی دیگر در عرصه ویدئو به چشم می‌خورد و این نیاز بیش از همه در کارگردانی مسابقات فوتبال احساس می‌شود. کارگردان‌های جام جهانی ۲۰۰۶ از دو جنبه قابل تحلیل است؛ نخست، نحوه استفاده از دستاوردهای روز صنعت ویدئو است که در این حوزه، میزان پیشرفت در حد صفر است. کافی است در علانم گرافیکی اعلام نتایج مسابقات و... دقت کنید

حسین یاغچی: از اواخر دهه ۹۰ که تکنولوژی دیجیتال همه‌گیر شد و تغییراتی انقلابی در تصویربرداری و تدوین ویدئویی پدید آورد تا امروز همچنان شاهد پس‌لرزه‌های انقلاب دیجیتال هستیم و چنین وضعیتی شاید نوعی درجا زدن لقب بگیرد. اگر به دنبال نمونه‌های عینی این وضعیت می‌گردیم، پخش تلویزیونی مسابقات جام جهانی ۲۰۰۶، دم‌دست‌ترین گزینه است. از کارگردانی و تصویربرداری این بازی‌ها گرفته تا طراحی و استفاده از نشانه‌های گرافیکی، همگی در مقایسه با نمونه‌های قبلی خود نه تنها پیشرفتی نداشتند اند بلکه در بسیاری موارد، از دستاوردهای پیشین عقبگرد کرده‌اند. نفاط ضعف بی‌شماری به جا گذاشته‌اند. چنین وضعیتی کم و بیش در سایر محصولات ویدئویی این سال‌ها هم به چشم می‌خورد. سوزیک – ویدئوها دیگر از آن عناصر غافلگیرکننده که به واسطه دستاوردهای دیجیتال شکل گرفته بود، برخوردار نیستند (اگرچه اشتناها همچنان وجود دارند) و شبکه‌های خبری (که شاید در عرصه ویدئو، بیش از همه از مزایای دیجیتال استفاده کرده‌اند) دیگر نمی‌توانند مخاطبان خود را شگفت‌زده کنند. نیاز به تحولی دیگر در عرصه ویدئو به چشم می‌خورد و این نیاز بیش از همه در کارگردانی مسابقات فوتبال احساس می‌شود. کارگردان‌های جام جهانی ۲۰۰۶ از دو جنبه قابل تحلیل است؛ نخست، نحوه استفاده از دستاوردهای روز صنعت ویدئو است که در این حوزه، میزان پیشرفت در حد صفر است. کافی است در علانم گرافیکی اعلام نتایج مسابقات و... دقت کنید



تصویر جوم

همکاری عباس کیارستمی و مانیا اکبری در ع+ ۱۰



با طراحی از عباس کیارستمی، فیلمبرداری دومین تجربه فیلم‌سازی مانیا اکبری با نام «ع+ ۱۰» به پایان رسید. مانیا اکبری که پس از فیلم «بیست انگشت» مترصد ساخت دومین فیلم خود بود به علت بیماری سرطان تجربه متفاوتی را در رابطه با مرگ و زندگی پشت سر گذاشته است. این فیلم که به مدت دو ماه در تهران، شمال و کویر قم به روش دیجیتال تصویربرداری شده به‌زودی تدوین آن آغاز می‌شود. فیلم «ع+ ۱۰» به پیشنهاد عباس کیارستمی در ادامه فیلم «۱۰» ساخته شده که مانیا اکبری چهار سال پیش به همراه پسرش امیر ماهر در آن بازی داشت.

در این فیلم مانیا اکبری به یک

حدیث نفس ژالایستی دست زده و تجربه خود را در رویارویی با مرگ و بیماری سخت به تصویر کشیده است. در این فیلم مانیا اکبری، امین ماهر، بهناز



خبرساز

میلااد جم: میخائیل بولگاکف، ایتالو کالوینو، ژول ورن، پریمو لوی، ائرتورکانن دوپیل،

گابریل گارسیمارکز، جیواننی باپپینی، ری بردبری، خوزه گارسیمایا، دیئو بوتزاتی، چارلز دیکنز، آرتور میلر و نورمن لوین نویسندگانی هستند که شاید برای اولین بار نام آثارشان در یک مجموعه‌داستان کنار هم قرار

می‌گیرد. «معامله پرسود و داستان‌های دیگر» انتخاب و ترجمه هژده دقیقه‌ای است که نشر نیلوفر مدتی پیش آن را روانه بازار کرد. اگر می‌خواهید دلیل کنار هم قرار گرفتن آثار این نویسندگان را بدانید شما را به پیشگفتاری که مترجم بر این کتاب نوشته است، ارجاع می‌دهیم: «همه این داستان‌ها در سال‌های دهه ۱۳۷۰ به زبان فارسی ترجمه و در نشریات مختلف درج شده‌اند. انگیزه انتخاب و ترجمه آنها در وهله نخست جذابیت و تخیل قوی



خواندنی‌ها